حج با خرافیون

**نویسنده:**

**علی حسین امیری**

|  |  |
| --- | --- |
| عنوان کتاب: | حج با خرافیون |
| نویسنده:  | علی حسین امیری |
| موضوع: | بررسی عقاید مذهبی شیعه (زیارت قبور، شفاعت، علم غیب، امامت و مهدویت، خمس) |
| نوبت انتشار:  | اول (دیجیتال)  |
| تاریخ انتشار:  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| منبع:  |  |
| این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.www.aqeedeh.com |  |
| ایمیل: | book@aqeedeh.com |
| سایت‌های مجموعۀ موحدین |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

[حج در قرآن و احاديث 3](#_Toc327219829)

[سخن چه كساني مورد توجه نيست؟ 5](#_Toc327219830)

[نقش روحاني كاروان در تفرقه زدن 6](#_Toc327219831)

[اعمال خرافيون در حج 11](#_Toc327219832)

[حاجي كه از حج برگشته 14](#_Toc327219833)

[چه بايد كرد؟ 15](#_Toc327219834)

[سخني با خواننده گرامي 17](#_Toc327219835)

به نام خدا

با سلام و درود بر حضرت محمدص و خاندان پاكش و اصحاب وفادارش.

هدف از نگارش اين مختصر، بيان يك سري از افكار و اعمال ضد اسلامي عده‌اي از خرافيون شيعه در مناسك حج است، افكار و اعمالي كه باعث تفرقه ميان مسلمانان مي‌شود، و براي وحدت امت اسلامي خطرناك مي‌باشد.

 شكي نيست كه در طول تاريخ اسلام دست‌هاي پنهان اينگونه عقايد را ترويج كرده‌اند و از جهل مردم بهره برداري فراوان كرده‌اند و مي‌كنند و حج كه يكي از اهداف آن ايجاد وحدت ميان مسلمانان است با چنين حركاتي تبديل مي‌شود به تفرقه و جدايي. بنابراين، كساني كه از روي جهل اين اعمال را انجام مي‌داده‌اند بايد به خود آيند و عقل خود را به كار گيرند و دست از تقليد كوركورانه از اين و آن بردارند و به فكر آخرت خويش باشند. چون كسي كه به تفرقه زدن ميان مسلمين كمك كند و در كوره تفرقه بدمد بدون شك مخالف راه دين اسلام رفته است، و بايد منتظر عذاب باشد. همانطور كه حضرت علي در نهج البلاغة خطبه 127فرموده: «كسي را كه به تفرقه دعوت مي‌كند بكشيد حتي اگر زير عمامه من باشد ( يعني حتي اگر خود من باشم)». البته روي صحبت ما با كساني است كه اين عقايد را دارند و البته كساني هم از شيعيان هستند كه چنين اعمال و گفتاري را در حج نمي‌پسندند و انجام نمي‌دهند.

حج در قرآن و احاديث

در قرآن و احاديث در مورد حج مطالب فراوان آمده، مثلاً در سوره حج آيات زير است:

﴿وَإِذۡ بَوَّأۡنَا لِإِبۡرَٰهِيمَ مَكَانَ ٱلۡبَيۡتِ أَن لَّا تُشۡرِكۡ بِي شَيۡ‍ٔٗا وَطَهِّرۡ بَيۡتِيَ لِلطَّآئِفِينَ وَٱلۡقَآئِمِينَ وَٱلرُّكَّعِ ٱلسُّجُودِ ٢٦ وَأَذِّن فِي ٱلنَّاسِ بِٱلۡحَجِّ يَأۡتُوكَ رِجَالٗا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٖ يَأۡتِينَ مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٖ ٢٧ لِّيَشۡهَدُواْ مَنَٰفِعَ لَهُمۡ وَيَذۡكُرُواْ ٱسۡمَ ٱللَّهِ فِيٓ أَيَّامٖ مَّعۡلُومَٰتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّنۢ بَهِيمَةِ ٱلۡأَنۡعَٰمِۖ فَكُلُواْ مِنۡهَا وَأَطۡعِمُواْ ٱلۡبَآئِسَ ٱلۡفَقِيرَ ٢٨ ثُمَّ لۡيَقۡضُواْ تَفَثَهُمۡ وَلۡيُوفُواْ نُذُورَهُمۡ وَلۡيَطَّوَّفُواْ بِٱلۡبَيۡتِ ٱلۡعَتِيقِ ٢٩ ذَٰلِكَۖ وَمَن يُعَظِّمۡ حُرُمَٰتِ ٱللَّهِ فَهُوَ خَيۡرٞ لَّهُۥ عِندَ رَبِّهِۦۗ وَأُحِلَّتۡ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمُ إِلَّا مَا يُتۡلَىٰ عَلَيۡكُمۡۖ فَٱجۡتَنِبُواْ ٱلرِّجۡسَ مِنَ ٱلۡأَوۡثَٰنِ وَٱجۡتَنِبُواْ قَوۡلَ ٱلزُّورِ ٣٠﴾ [الحج: 26-30].

«و ياد آور كه ما ابراهيم را در آن بيت الحرام تمكين داديم تا با ما هيچ شريك نگيرد و به او وحي كرديم كه خانه مرا براي طواف حاجيان و نمازگزاران و ركوع و سجود كنندگان پاك و پاكيزه دار \* و مردم را باداء مناسك حج اعلام كن تا مردم پياده و سواره و از هر راه دور به سوي تو جمع آيند \* تا در آنجا منافع بسيار براي خود فراهم ببينند و نام خدا را در ايامي معين ياد كنند كه ما آنها را از حيوانات بهائم روزي داديم پس بخوريد از آن بهائم و به فقيران درمانده طعام دهيد\* سپس (بازگو) تا مناسك حج و حلق و تقصير بجاي آرند و بهر نذر و عهدي كه در حج كردند وفا كنند و طواف كعبه را گرد خانه عتيق بجاي آرند \* اين است احكام حج و هر كس اموري را كه خدا حرمت نهاده بزرگ و محترم شمرد البته مقامش نزد خدا بهتر خواهد بود، و چهارپايان غير آنچه تلاوت خواهد شد همه براي شما حلال گرديد، و از پليد حقيقي يعني بتها اجتناب كنيد و نيز از قول باطل دوري گزينيد».

و همچنين از پيامبر اكرمص در مورد حج احاديث مي‌باشند، مثل حديث زير از كتاب صحيح بخـاري (2/198):

«الْـحَجُّ الْـمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلاَّ الْـجَنَّةُ» «حج نيكو پاداشي جز بهشت ندارد».

همچنين در كتاب الفردوس (1/295/1166) از پيامبر اكرمص حديث زير مي‌باشد:

«إذَا حَجَّ الرَّجَلُ بِمَالٍ مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ فَقَالَ: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، قَالَ اللهُ: لاَ لَبَّيْكَ وَلاَ سَعْدَيْكَ، هَذَا مَرْدُودٌ عَليكَ»**.** «هر كس با مال غير حلال حج به جا آورد آن گاه كه لبيك مي‌گويد: خداوند در پاسخ مي‌فرمايد: لبيك و سعديك تو درست نيست، و اين به خودت باز گردانده مي‌شود (حج تو مقبول نمي‌باشد)».

سخن چه كساني مورد توجه نيست؟

قبل از بحث پيرامون مسئله بايد بگوئيم: به نظر ما يك سري از افراد صلاحيت اظهار نظر در مورد بقية مسلمانان را ندارند، چون شرايط اظهار نظر را ندارند و با حرف‌هاي ناسنجيدة خود بيشتر موجب تفرقه مي‌شوند و نبايد بدانها توجه كرد. كسي كه داراي علم و عقل كافي در مورد عقايد ديگر مسلمين است و همينطور داراي روحي بدون تعصب است مي‌تواند نظر خود را بگويد، و تازه صحبت نمودن در مورد عقايد بقيه با بدگويي و مسخره كردن كه ما اكثراً شاهد آن هستيم تفاوت دارد، اشخاص زير واجد شرايط براي بحث نيستند و بيشتر باعث تفرقه‌اند، و خوانندة گرامي هر موقع چنين شخصي را ديد اصلاً به حرفهاي او توجه نكند.

1. شخصي كه اصلاً هيچ كتابي از كتب مسلمين ديگر (مثلاً اهل سنت) را نخوانده و فقط از روي معلومات خودش كه تمام آنها هم از كتب خود شيعه است، دائماً حرف مي‌زند، و جالب اينكه اكثر اين افراد حتي كتب شيعه را هم نخوانده‌اند بلكه بيشتر اين سخنان كه مي‌گويند يا از ديگران شنيده‌اند يا پاي منبر آخوندي و يا مداحي شنيده‌اند كه به طور خلاصه دايره فكرشان از همان مذهب تقليدي و وراثتي خودشان تجاوز نمي‌كند.
2. پيرمردها و پيرزنهايي كه عمري را در خرافات به سر برده‌اند و هيچ كتابي نخوانده‌اند و فقط در روضه‌ها و پاي منبرها بوده‌اند و در مغزشان فقط همان حرفهاي كوچه و بازاري است.
3. كسي كه دين را دكان كرده و از اين راه نان مي‌خورد مثل مداحان كه اكثراً بي‌سواد و متعصب هستند.
4. افراد سياسي و حكومتي كه هر صحبتي مخالف مذهب خويش را خطري عليه حكومت مي‌دانند و بعضي هم جاسوس و مامور دولت و غير قابل اطمينان هستند.

**نكته:** البته ممكن است يكي از همين افراد هم به واسطه بحث با ما هدايت شود و روش خويش را عوض كند، اما منظور ما اين است كه به حرف‌هاي تفرقه‌آميز اين گروه توجه نكنيد چون صحبت‌هاي اين دسته كه نام برديم همگي خرافي و پوچ و تفرقه آميز است.

نقش روحاني كاروان در تفرقه زدن

بايد با صراحت بگويم: ريشة اصلي اختلافات و افكار خرافي روحانيون مي‌باشند.

و بايد به خواننده اين نكته مهم را يادآور شويم و آن اينكه اگر شبهه يا سوالي برايش پيش آمد مخصوصاً سوالات غير فقهي كه بيشتر در مورد عقايد ديني است و در هنگام حج زياد با آنان برخورد مي‌كند مثل مسئله زيارت قبـور يا مسئله خلافـت و امامـت و يا مسائل مربوط به صحـابه و ... كه در اينجا فرصت آوردن همه آنها نيست. اگر سوالي در اين خصوص برايش پيش آمد فوراً به پيش روحاني كاروان نرود چون به طور قطع روحاني سوالي مخالف با مذهب شيعه به او نخواهد گفت، و از همه بدتر اينكه آخوندها در سرپوش گذاشتن روي مسائل و شبهات بسيار استادند و به محض پرسيدن سوال جوابي مكارانه به آن مي‌دهند و مسئله را براي فرد عامي توجيه و قابل حل مي‌كنند و اگر شما عاقل باشيد بايد بدانيد كه اين طريق تحقيق نيست بلكه براي تحقيق اولاً بايد فكرتان را از هرگونه تعصب خالي كنيد و ثانياً براي يافتن پاسخ كتاب‌هاي طرف مقابلتان را هم بخوانيد مثلاً ببينيد نظر اهل سنت چيست، بعد اگر خواستيد نظر روحاني را هم بپرسيد و در پايان با عقل خود تصميم بگيريد نه اينكه فوري و با تقليد كوركورانه هر پاسخي دادند قانع شويد. روحانيون خرافي اعمال زير را براي تفرقه افكني انجام مي‌دهند:

1. نكته‌اي كه در اينجا مي‌خواهيم بدان اشاره كنيم بسيار حساس است، و غالباً كسي متوجه آن نيست و آن اينكه از اول مراسم حج تا پايان آن تمامي صحبت روحاني كاروان فقط در مورد مسائل فقهي است، و فكر تمامي عوام را به اين سمت سوق مي‌دهد كه مبادا طواف نساء را درست انجام ندهيد و به يكديگر حرام شويد يا مبادا سرتان را در سجده روي فرش بگذاريد و فقط و فقط همين مسائل، علت آن هم اين است كه مبادا افكار مردم به سمتي ديگر معطوف شود مثل دوستي و رابطه با اهل سنـت يا سوالاتي ديگر كه به طور طبيعي وقتي با اهل سنت رابطه برقرار كنند اين سوالات هم پيش مي‌آيد (مثل خلافت و امامت)، و روحاني از اين پيش آمد هراس دارد و جلوي آنرا مي‌گيرد، و طبيعي هم هست چون براي او از هر چيز خطرناكتر است.
2. روش ديگر روحاني در تفرقه زدن بدگويي از حضرت ابوبـكر و حضرت عمـر است، مثلاً وقتي كاروان را براي بازديد به كنار غار ثور مي‌برند عوض اينكه به مردم بگويد: اين غاري است كه پيامبرص و يار وفادارش ابوبكر به هنگام هجرت به مدينه در آن بوده‌اند و جانشان در خطر بوده است، و به خاطر همراهي و كمك خداوند بوده كه آنها نجات يافتند و در سوره توبه آيه40 آمده كه ﴿إِنَّ ٱللَّهَ مَعَنَا﴾ يعني خدا با ماست، وخدا با صابرين و مومنين و متقين است نه با غاصب خلافت، ولي در عوض مي‌آيد و معناي آيه را تحريف مي‌كند و به مردم مي‌گويد: در آيه آمده: ﴿لَا تَحۡزَنۡ﴾ يعني: نترس، و ابوبكر در اينجا ترسيده بود، و شروع به بدگويي پشت سر ابوبكر مي‌كند (خداوند در قرآن به پيامبرص هم فرموده: ﴿لَا تَحۡزَنۡ﴾ مثل سوره نحل/127، و تازه ﴿لَا تَحۡزَنۡ﴾ يعني: غمگين مباش و با «لاَ تَخَفْ» و ترسيدن فرق دارد. و از همه گذشته، ابوبكر براي پيامبرص غمگين بوده). البته اين نمونة كوچكي از بدگويي هاي آخوندها در مورد ابوبكر و عمر ب است، و در جاهاي ديگر در حج نيز اين كار را مي‌كنند، مثل هنگام بازديد از كوه احد كه در آنجا هم به مردم مي‌گويند: اينجا احد است، و عمر در اينجا فرار كرده است، و يا به هنگام بازديد زائرين از مساجدي كه در مدينه هستند مثل مسجد قبا و مسجد ذوالقبلتين و ساير مساجد، وقتي به مسجد ابوبكر مي‌رسند و در اينجا بر خلاف ميل روحاني كاروان مسجدي به نام ابوبكر مي‌باشد و ايشان كه از اين امر بسيار ناراحت هستند درباره آن توضيحي نمي‌دهد بلكه با ناراحتي مي‌گويد: اين هم مسجد ابوبكر است، و ما با آن كاري نداريم و مي‌رويم به سراغ مسجد سلمان و بقيه مساجد.
3. روش سوم ايجاد بدبيني در ذهن شيعيان نسبت به اهل سنت است، و به طور مثال مرتب از كلمه وهابـي صحبت مي‌كنند و مترسكي درست كرده‌اند به نام وهابيت تا مبادا مردم به سمت اهل سنت گرايش يابند و طوري در ذهن عامه انداخته‌اند كه اهل سنت دشمن اهل بيت مي‌باشند.
4. مورد بعدي اينكه در خلال حج يا به طور كلي در ايران و مساجد خودشان هم هيچگونه صحبتي پيرامون وحدت نمي‌كنند يا اينكه بگويند: اهل سنت هم اهل بيت را دوست دارند و شما هم با آنان برادر هستيد و مي‌توانيد در كنار هم صحبت داشته باشيد، بلكه برعكس اينجانب خود در مسجدالنبيص ديدم كه چندين تن از شيعيان به دور يكنفر از اهل سنت نشسته بودند و در حال صحبت با او بودند كه ناگهان روحاني كاروانشان آمد و گفت: بلند شويد و به حرفهاي او گوش ندهيد و مثل ابوجهل كه ديگران را از شنيدن صحبتهاي پيامبرص باز مي‌داشت، او هم همين كار را كرد، و اين مورد خود از بزرگترين اعمال در ايجاد تفرقه است، چون روحاني مي‌تواند به مردم بگويد: با اهل سنت وحدت بر قرار كنيد و اصولاً هم مردم به حرفهاي او بيشتر و بهتر گوش مي‌كنند ولي متاسفانه اينكار را نمي‌كنند و بر عكس در ايجاد تفرقه مي‌كوشند و فراموش نکنید صحبتهای ایشان پیرامون وحدت که در پشت تلویزیون و یا در روزنامه‌ها می‌باشد بیشتر ظاهرسازی و سیاست‌بازی است، و به هیچ وجه عمیق و واقعی نیست، و ما باید واقع‌گرا باشیم و در واقعیت می‌بینی که در تمامی روضه‌ها و مجالس عزاداری سخنان تفرقه زا و یا لعن خلفا می‌باشد، حال وقتی در تلویزیون صحبتهای خوب و قشنگ بکنند چه فایده‌ای دارد؟ چون دیگر ذهن مردم را خراب کرده‌اند و اگر ایشان واقعاً طرفدار برقراری وحدت هستند باید ریشه اختلاف را از بین ببرند و به مردم بفهمانند که مثلاً حضرت عمر درب را به پهلوی حضرت فاطمه نزده است، و این روایات سند محکمی ندارند و جعلی هستند نه اینکه چندین هفته را دهه فاطمیه بگیرند و مرتب بالای منبر بگویند: لعنت بر فلان که درب را سوزاند و همه هم بفهمند که فلان کسی نیست جز عمر بن خطاب، چنین وحدتی به درد خودتان می‌خورد.
5. كتـمان: اين مورد يعني كتمان حقايق توسط روحانيون نيز از موارد مهم است، مواردي كه شيعيان در صورت آگاهي ممكن است روش خويش را عوض نمايند و روحاني از گفتن آنها هراس دارد. ما در اينجا خدمت خواننده محترم چند نمونه از اين حقايق را مي‌گوييم تا خواننده به ماهيت اين آقايان پي ببرد و بايد بداند كه اين ما فقط چند مورد را در اينجا به اختصار مي‌آوريم و اگر بخواهيم تمام موارد را بيان كنيم كتابي جداگانه بايد بنويسيم. يكي از مواردي كه روحانيون نمي‌گويند و اين مورد در اكثر كتب تاريخي و حتي كتب شيعه نيز ثبت شده مثل تاريخ يعقوبي يا کتاب كافي و تهذیب الاحکام شیخ طوسی ج 3 ص380 و بحارالانوار همچنين در تاريخ طبري و بسياري ديگر از كتابها، و آن ازدواج **ام كلثوم** دختر حضرت فاطمه با **عمربن خطاب** خليفه دوم مي‌باشد كه با رضايت حضرت علي انجام گرفته است، و علت كتمان اين موضوع توسط روحاني روشن است، چون ممكن است در ذهن يكي از شيعيان بگذرد كه مگر كسي به قاتل همسرش دختر همان همسر را مي‌دهد و يا حسن و حسين چطور اجازه اين ازدواج را داده‌اند و مگر خود حضرت علي هم دشمن درجه يك عمر نبوده، و سوالات فراوان ديگر. موردي ديگر اينكه نام فرزندان حضرت علي، ابوبكر و عمر و عثمان بوده، و دو تن از آنان در كربلا شهيد شده‌اند ولي مداحان صحبتي از ايشان نمي كنند. (اين عمل را امامان ديگر هم انجام داده‌اند و به اسم عايشه نيز روي دختر خويش نامگذاري كرده‌اند). يا اينكه نسب امام صادق از دو جهت به حضرت ابوبكر بر مي‌گشته، و امام صادق هميشه از اين جهت افتخار مي‌نموده است، يا كتمان اين موضوع كه شهادت عليا ولي الله و عليا حجة الله در هنگام گفتن اذان جزو اذان نيست، و در مورد منع آن در كتاب من لايحضره الفقيه نوشته شيخ صدوق مطالب موجود است (من لايحضره الفقيه جزو چهار كتاب اصلي شيعيان بعد از قرآن است، سه كتاب ديگر عبارتند از اصول كافي و استبصار و تهذيب). يا مورد ديگر اينكه از چهار دختر رسول خداص يعني زينب و ام كلثوم و رقيه و فاطمه. دو تن از آنها يعني ام كلثوم و رقيه از همسران عثمان بن عفان بوده‌اند.

وحدتي كه خرافيون از آن صحبت مي‌كنند وحدت ديني و وحدت بين دو برادر مسلمان نيست، بلكه بيشتر به خاطر مصالح و حفظ قدرت و نظام سياسي است، چون بسياري از همسايگان هم مرز با ايران از اهل سنت هستند و در صورت عدم وحدت براي حكومت خطرناك مي‌باشند و گرنه خرافيون مذهبي اصلا به وحدت عقيده‌اي ندارند و مذهب خود را جدا از ساير مذاهب مي‌دانند و راه كار ايشان براي وحدت اين است كه رو در روي اهل سنت صحبتي نكنيد ولي در غيبت آنها اگر خواستيد حرفي بزنيد يا سه خليفه اول را لعن كنيد و زيارت عاشورا بخوانيد و ... اين راه كار خرافيون به دلايل زير مردود مي‌باشد:

1. اگر شما پنهاني به لعن و نفرين مي‌پرداختيد پس از كجا اهل سنت با شما مخالفند و اگر بگوئيد: دشمنان وحدت اسلامي اينكار را آشكارا و براي تفرقه كرده‌اند، پس چرا كاري را كه دشمنان اسلام مي‌كنند شما صحيح مي‌دانيد، و يا اگر بگوييد ما با عقايد اهل سنت مخالفيم و با ابوبكر و عمر مخالفيم ولي با خود ايشان مشكلي نداريم، اين نيز صحيح نيست، چون عقيده و فكر هر شخص نماينده خود اوست، و شما اگر راست مي‌گوييد پس با خوارج وحدت داشته باشيد و فقط با عقيده خوارج پيرامون حضرت علي مخالف باشيد و با خود خوارج خوب و مهربان باشيد ولي واضح است كه اينگونه نيست.
2. دليل دومي كه در اينجا ارائه مي‌دهيم و ممكن است براي بعضي خنده‌دار به نظر آيد ولي واقعيت دارد. تمامي مردم مي‌دانند كه ما در عصر جديد هستيم و وسائل پيشرفته جاسوسي و ضبط صدا موجود مي‌باشد، به طور مثال: وسائلي هست كه از بيرون منازل هم مي‌تواند صداي شما را ضبط كند و يا از راههاي ديگر، پس اينكه شما مي‌گوييد: ما در جايي كه سني ها نيستند لعن و نفرين و ديگر حركات را انجام مي‌دهيم، صحيح نيست، و اگر شخصي اين صحبتها را ضبط كرد و بعد آن را به كشورهاي ديگر برد و ايجاد تفرقه كرد در آن موقع شما مقصر هستيد، و اگر اين امر براي شما باور كردني نيست، بايد بگوييم: در همین انجمن ديوانگان حسين مراسم عمر كشون گرفتند و سی دي آن به كشورهاي سنی اطراف رفته بود و باعث درگيري بين شيعه و سني شده بود.
3. مورد بعد اين كه ما مي‌پرسيم: آيا وقتي شما پشت سر اهل سنت و عقايدشان بدگويي مي‌كنيد، آيا همين امر باعث نمي‌شود كه رابطه خود شخص شما با آنان تيره گردد و همين باعث تفرقه بين شما با آنان مي‌شود.
4. در ضمن اینگونه سخنان پشت سر اهل سنت، باعث ایجاد کینه در دل افراد می‌شود و مانند آتشی در زیر خاکستر می‌ماند، و بالاخره در جایی خود را نشان می‌دهد، پس چنین وحدتی فایده ندارد.

اعمال خرافيون در حج

يكي از مهم‌ترين موارد، زيارت قبور است، مسئله‌اي كه در ذهن اكثر اينان است اين است كه گمان مي‌كنند اهل سنت در عربستان چون روي قبور امامان را گنبد و بارگاه نساخته‌اند پس لابد با با اهل بيت دشمن هستند، بايد به اين افراد گفت: ساختن بنا روي قبر و طلاكاري كردن و ساختن گنبد گلين و زرين و تمامي اين موارد در قرون بعدي و سالها پس از ظهور اسلام (از قرن سوم به بعد) وارد اسلام شده و بدعت مي‌باشد، وگرنه چرا در اوايل اسلام پيامبرص بر روي قبر حضرت حمـزه سيدالشهداء بنايي نساخت، يا روي قبر فرزندش ابراهيـم و يا قبر حضرت خديـجه و يا قبور شهداي احـد و شهداي بئر معـونه و ... البته دلايل براي عدم ساختن بنا روي قبور فراوان است، و احاديث زيادي كه اين عمل را منع كرده زياد هستند، و حتي در كتب شيعيان فراوان است، و در هيچ جاي قرآن نيز بدين امر اشاره‌اي نيست، و اگر تمامي دلايل را بنويسيم خود كتابي جداگانه مي‌شود. و گهگاه در قبرستان بقيع افرادي مشاهده مي‌شوند كه شروع مي‌كنند به بدگويي و زدن حرفهاي نامربوط عليه اهل سنت در عربستان و آنان را بي دين مي‌خوانند، چرا؟ چون آنها نيامده‌اند ميليونها تومان پول خرج ساختن قبرستان كنند و در دين بدعت گذارند پس دين ندارند(دينداري از نظر خرافيون فقط قبرپرستي و غير خدا را خواندن و لعن و نفرين و... است) براي مثال احاديث زير در نهي از ساختن قبور مي‌باشند:

در كتاب كافي و وسائل از حضرت صادق روايت كرده كه علي فرمود: «بعثني رسول الله إلی الـمدینة في هدم القبور وكسر الصور فقال: لا تدع صورة إلا محوتها ولا قبراً إلا سويتها». يعني: «رسول خداص مرا به سوي مدينه فرستاد درباره خراب كردن قبور و شكستن صورتها و فرمود: صورتي را مگذار مگر اينكه آنرا محو كن و قبري مگذار مگر مساوي زمين كن».

در كتاب فقه الرضا روايت كرده از رسول خداص كه: «لعن رسول الله من جعل القبور مصلى ولعن من يجعل مع الله آلهة أخرى». يعني: «رسول خداص لعن نمود كسي را كه قبرها را جاي نماز كند و لعن نمود كسي را كه با خدا خدايان ديگر قرار دهد».

در كتب مستدرك الوسائل ج 1 ص 132 از حضرت امير نقل كرده كه فرمود: سمعتُ رسولَ الله ص يقول: لا تتخذوا قبري عيدا». يعني: «شنيدم رسول خداص مي‌فرمود: قبر مرا عيد (يعني محل رفت و آمد) مگيريد».

شيخ صدوق در علل الشرايع و وسائل الشيعة باب 65 از ابواب دفن روايت كرده‌اند كه رسول خداص فرمود: «لا تتخذوا قبري قبلة ولا مسجداً، فإن اللهَ تعالى لَعنَ اليهودَ حيث اتخذوا قبور أنبيائهم مساجد». يعني: «قبرم را قبله و محل توجه قرار ندهيد و مسجد نكنيد زيرا خداي تعالي يهود را لعن نمود چون قبور پيامبران خود را مساجد قرار دادند».

در كتاب محاسن برقي و كتاب وسائل باب 43 از ابواب دفن اموات از حضرت علي روايت كرده‌اند كه فرمود: «من جدد قبراً أو مثل مثالاً فقد خرج عن الإسلام». يعني: «هر كس قبري را تجديد و يا مجسمه‌اي بسازد از اسلام خارج است».

از موارد ديگر، يا علي گفتن عده‌اي از شيعيان در حج است. و خرافيون دائم مي‌گويند: ببينيد اين بد سني‌ها حتي از اسم علي هم متنفر هستند. در جواب اين عده بايد گفت: اهل سنت حضرت علي و ساير خلفاي راشدين را دوست دارند، و علت نارضايتي آنها از اين موضوع اين است كه در آيات فراواني از قرآن كريم خواندن غير خدا منع شده، و خداوند مي‌فرمايد که فقط او را صدا كنيد و فقط او را دعا كنيد، مثلاً در سوره جن آيه 20 مي‌فرمايد: ﴿ ُلۡ إِنَّمَآ أَدۡعُواْ رَبِّي وَلَآ أُشۡرِكُ بِهِۦٓ أَحَدٗا ٢٠﴾ [الجن: 20]. يعني: «بگو همانا پروردگارم را مي‌خوانم، و احدي را با او شريك نمي‌گردانم». و در ضمن نبايد صفات خالق را براي مخلوق هم جايز بدانيم، اين صفت خداست كه در همه جا حاضر و ناظر است، و از رگ گردن به بندگان نزديكتر است.

مورد بعدي در حج، مسئله شهادت در اذان است، و اكثراً از اين امر ناراضي هستند كه چرا اينها در اذان: «أشهد أن عليا ولي الله وعليا حجة الله» را نمي‌گويند، در صورتي كه در كتب خود شيعه مثل كتاب من لايحضر الفقيه كه جزء چهار كتاب اصلي شيعيان بعد از قرآن مي‌باشد، و نوشته شيخ صدوق است، از شهادت عليا ولي الله در اذان منع شده، و گويندگان آن را لعن كرده است، ولي اكثر شيعيان اين را نمي‌دانند و دائما در حج ايراد مي‌گيرند، و جالب اينكه روحاني آنان هم آنها را متوجه نمي‌كند، و برعكس اگر كسي هم از او درباره اين موضوع سوال كند با جوابي بي ربط مسئله را توجيه مي‌كند، مثلاً مي‌گويد: ما اين جمله را به نيت اذان نمي‌گوييم، و يا از باب تبرك مي‌گوييم و ...

از موارد ديگر، طواف نساء مي‌باشد، و تمامي فكر خرافيون در حج فقط متوجه اين موضوع است كه مبادا طواف نساء را درست انجام ندهد و به همسرش حرام شود و گاهي ديده شده به اهل سنت كه طواف نساء ندارند حرفهاي نامربوط مي‌زنند كه مثلاً شما به هم حلال نيستيد.

مورد ديگر، اينكه نوعي دشمني با عرب‌ها در ذهن خرافيون مي‌باشد مثل اين است كه خود را جدا از آنان مي‌دانند، و خود را ايراني و فارس و آريايي و ... مي‌دانند و نسبت به آنها ديد منفي دارند. البته به نظر من دشمنی آخوندها یا مردم خرافی با عربها نیست، و این دشمنی در واقع با اهل سنت است، چون اینها با حزب الله لبنان خوب هستند یا با شیعیان در عربستان خوب هستند و در همین سفر حج به دیدن مسجد شیعیان می‌روند یا با شیعیان عراقی خوب هستند، پس اینها با عرب بد نیستند بلکه با عربی که سنی باشد مشکل دارند. ايرانيان بايد بدانند يكي از هدفهاي اسلام برداشتن همين عقايد تفرقه‌انگيز بوده، و ارزش انسانها را به ميزان تقوي در آنها مي‌دانسته و اين دشمنان وحدت بين مسلمين هستند كه اينگونه افكار را پخش مي‌كنند و گرنه ما همگي امت اسلامي هستيم، و تمام مسلمانان برادر و هموطن هستند و اين مرزهاي بين كشورها همگي قراردادي و ساختگي است، و در طول تاريخ تغيير مي‌كنند، تازه پيامبرص و امامان هم از عرب بوده‌اند، و قرآن و احاديث نيز به زبان عربي است، پس نبايد نسبت به عرب بدبين بود.

حاجي كه از حج برگشته

هر وقت به ديدن يكي از خرافيون كه از حج برگشته مي‌رويم، شروع مي‌كند به بدگويي پشت سر اهل سنت كه مثلاً چرا اينها در نمازشان مهر نمي‌گذارند؟! يا در اذان أشهدأن عليا ولي الله نمي‌گويند؟! يا چرا روي قبور ائمه را گنبد و بارگاه نساخته‌اند؟! و چرا؟ و چرا؟ ...

به اين بيچاره بايد گفت: تو چند صد هزار تومان خرج كرده‌اي و چندين هفته وقت گذاشته‌اي كه به سفر حج بروي، و تنها مطلبي كه كشف كرده‌اي همين بوده كه آنها مهر نمي‌گذارند و موارد ديگر، بايد به اين اشخاص خسته نباشيد گفت، اينگونه افراد داراي فكري هستند كه تا نوك بيني خود را بيشتر نمي‌بينند و اصلاً مسائل مهمتر و وسيع‌تر به فكرشان خطور نمي‌كند، مسائلي مثل وحدت بين مسلمين و مشكلات دنياي اسلام و تنها مشكل اسلام از نظر اينها همان ساخته نشدن گنبد و بارگاه روي قبور است. اين افراد بايد بدانند اين صحبتهاي ابلهانه بيشتر باعث تفرقه مي‌شود. البته روحانيون دوست دارند مردم بدينگونه عقب افتاده باشند و آنقدر مردم را بي‌سواد مي‌دانند كه به طور مثال در مورد مسئله مهر كه هيچگونه حديثي در كتب شيعه و سني نيست و پيامبرص و اصحاب در هنگام سجده مهر يا چيزي ديگر نمي‌گذاشته‌اند، و بعد روي آن سجده كنند بلكه بر روي حصير يا درنوك (نوعي فرش) و بساط و .... و همچنين بر روي زمين سجده مي‌كرده‌اند، و احاديث در اين مورد مي‌باشند، ولي در عوض روحانيون آنقدر از كم اطلاعي مردم مطمئن هستند كه در تلويزيون در سريال جابربن حيان كه با امام صادق هم دوره بوده، نشان مي‌دهند كه جابر در كوهستان سجاده‌اي پهن كرده و به هنگام سجده چيزي شبيه به مهر روي سجاده گذاشته، و بر آن سجده مي‌كند ولي روي زميني كه چند سانتي متر بالاتر است، يا روي همان سجاده سجده نمي‌كند (خرافات ديگري نيز در اين سريال وجود داشت، مثلاً در آن امام صادق بدون اينكه نامه‌هاي رسيده از يارانش را بخواند پاسخ تمامي آن نامه‌ها را نوشت، و تحويل داد!).

چه بايد كرد؟

حال بايد پرسيد: راه حل بر طرف کردن اختلافات و ايجاد وحدت چيست؟ چون شكي نيست كه يكي از راههاي ايجاد اتحاد بين مسلمين همين رفتن به حج است، چون تمامي مسلمين جهان در آنجا جمع مي‌شوند و يكديگر را مي‌بينند، پس بايد:

- از هرگونه صحبت يا اعمالي كه باعث ايجاد تفرقه مي‌شود خودداري كرد.

- بيشتر حواس خود را به پرستش خداوند يكتا معطوف كنيم.

- ايجاد رابطه و دوستي با مسلمانان ديگر و نظرات و انتقادات آنها را جويا شدن، البته به طور كاملاً دوستانه و به دور از تعصب و دشمني، چون دشمنان اسلام از وحدت و دوستي شما هراس دارند.

- دوري از تفرقه جويان و به صحبتهاي آنها گوش ندادن.

- كوشش براي رسيدن به صدراسلام و اسلام خالص و اسلام حقيقي و دور كردن خرافات و عقايد غير اسلامي، حال چه اين عقايد درميان اهل سنت باشد و چه در ميان شيعيان، فرقي ندارد.

سخني با خواننده گرامي

شما خواننده محترم پس از خواندن اين مطالب كه شايد هم از آن خيلي خشنود نباشيد بايد بدانيد اگر اين اعمال خرافي را انجام مي‌داده‌اي پس از اين بايد اين اعمال را كنار بگذاري و شايد تا كنون از روي جهل اينكار را مي‌كرده‌اي ولي بعد از اين ديگر جايز نيست، و كسي كه به ايجاد تفرقه كمك كند مسلماً عامل استعمارگران و دشمنان اسلام است، حال يا عمداً اينكار را مي‌كند يا ناخواسته و از روي حماقت و جهل، ولي به هر حال دارد به آسياب دشمن آب مي‌ريزد.

در پايان ممكن است كسي بگويد: مذهب ما اينگونه است كه مثلاً ابوبكر و عمر را غاصب خلافت و مستحق لعن كردن مي‌دانيم و حضرت علي را جانشين بلافصل پيامبرص، و اين ديگر تقصير ما نيست، چون اينها اصول و پايه مذهب شيعه است، و ايجاد تفرقه ربطي به ما ندارد. در جواب اين عده مي‌گوييم: شما تنها نبايد ببينيد كه مذهبتان چه مي‌گويد، و چشم بسته قبول كنيد و از مسئوليتهاي ديگر شانه خالي كنيد چون اين كاري است كه كافران و مشركان هم در طول تاريخ مي‌كرده‌اند و حاضر به تغيير مذهب اجدادشان نبوده‌اند. شما بايد برويد و تحقيق كنيد (البته بدون تعصب و با فكري آزاد) كه اسلام واقعي و بدون خرافات چيست، و چه مي‌گويد، و اين راه تنها از طريق قرآن و سنت واقعي پيامبرص يعني: احاديث غيرجعلي كه با قرآن و عقل مخالف نيستند و شرايط داشتن حديث صحيح را دارند (نه، هر مزخرف و خرافاتي كه جعل كنندگان حديث آنها را ساخته‌اند) و همينطور خواندن كتاب‌هاي مسلمانان ديگر، و نه فقط خواندن كتابهاي شيعه (مثل بحارالأنوار و حق اليقين و كتاب‌هاي ديگر مجلسي كه مملو از خرافات و سخنان تفرقه‌انگيز است) چون روش تحقيق اين است كه شما ببينيد طرف مقابلتان نيز چه دلايلي دارد، اگر بنا باشد كه شما فقط همان كتب مذهب خود را بخوانيد، و براي سوالات هم به پيش روحاني مذهب خودتان برويد، اين ديگر تحقيق نيست، و شما در واقع با اينكار داريد سر خودتان را كلاه مي‌گذاريد.

**نكته:** هدف ما از بيان اين مطالب شناسايي افراد خرافاتي و بي‌سوادي است كه هميشه در مراسم حج هستند و با عقايد نادرست خويش و حركات و سخناني كه در حج انجام مي‌دهند موجب شكاف بين شيعه و سني مي‌شوند و يا با سخنان ناسنجيده افراد كم اطلاع را نيز نسبت به اهل سنت بدبين مي‌كنند، وگرنه منظور ما ساير طبقه روشنفكر نيستند و حتي اينجانب عقيده دارم كه طبقاتي چون دانشجويان روشنفكر و يا مهندسين و يا دكترهاي تحصيل كرده و به طور كل انسان‌هايي با ذهن باز و بدون تعصبات فرقه‌اي و مذهبي به آساني سخنان منطقي را تشخيص مي‌دهند و بين اسلام واقعي و عقايد خرافي تفاوت مي‌گذارند، البته اين قشر از اجتماع نيز بايد كوشش كنند و دين واقعي و اسلام بدون بدعت و خرافات را تشخيص دهند، چون محافظين خرافات نمي‌گذارند كه صداي افراد دلسوز دين به گوش بقيه برسد و هر مخالفت و حركتي را در نطفه خفه مي‌كنند و حتي سايتهايي را كه عقايد و خرافات ايشان را قبول نداشته باشند مي‌بندند (مثل سايتهاي اهل سنت، عقیده، سنی نیوز) و دسترسي به آنان دشوار مي‌شود (همه در اينترنت با واژه مشترك گرامي دسترسي به اين سايت ممكن نيست به خوبي آشنا هستند) و همچنين هنگامي كه با كارواني به حج مي‌آييد بايد اين نكته را بدانيد كه اشخاصي كه با شما در يك كاروان همسفرند اگر اين عقايد منحرف كه ما گفتيم در آنها بود بدانيد چنين افرادي به اهل سنت با ديد منفي مي‌نگرند و از نظر ايشان تمامي آنها وهابي و بد سني هستند، و روحاني كاروان هم كه اصلاً كاري به اين كارها ندارد (و از اين طرز فكر خوشش هم مي‌آيد) پس شما بايد توجهي به صحبتها و كارهاي آنها نداشته باشيد و خودتان برويد و با اهل سنت اتحاد و همبستگي ايجاد كنيد و طرز فكري خشك نداشته باشيد.

**پايان**

**پاییز 1386 هجری شمسی**